

“مرده” مصدق و “زنده” شاه

به بهانه پنجاه و هفتمین سالگرد کودتای ننگین 28 مرداد

**سعیدیا! مرد نکو نام نمیرد هرگز
مرده آنست که نامش به نکونی نبرند**

کودتای خائنه 28 مرداد و اعتراف خادمانه برزیدنت سل کلینتون

جمعه ۹ بهمن ۱۳۸۳ - ۲۸ ژانویه ۲۰۰۵
ایرنا: "بیل کلینتون" رییس جمهور پیشین آمریکا روز پنجشنبه پذیرفت که آمریکا مسئول سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق بوده است.
کلینتون که در یکی از نشست‌های مجمع جهانی اقتصاد در داووس Davos سوییس سخن می گفت ضمن مقایسه دولت آینده عراق و ایران افزود: "ایران يك نمونه كاملا متفاوت است."
کلینتون افزود: "آمریکا در سال هزار و نهصد و چهل و یک فردی آزادیخواه و مردم سالار منتخب مردم آن کشور را سرنگون کرد و شاه را به حکومت بازگرداند." (کودتای 28 مرداد در سال 1332 شمسی مطابق 1953 میلادی بود-توفان).
رئیس جمهور پیشین آمریکا گفت: "هرچند بیان چنین مطلبی از سوی يك فرد آمریکائی مناسب نیست ولی این مطلبی است که به آن اعتقاد دارم." کلینتون گفت: "سپس آیت الله خمینی، شاه را سرنگون و ما را مجبور کرد به سمت صدام برویم."
رئیس جمهور پیشین آمریکا اعتراف کرد که اقدامات تجاوزکارانه صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی آمریکا صورت گرفته بود.
وی گفت: "بدترین اقداماتی که صدام حسین در دهه هزار و نهصد و هشتاد انجام داد با آگاهی کامل و حمایت دولت آمریکا بود."
کلینتون اظهار داشت: "هنگامی که خاتمی انتخاب شد من (از سرنگون کردن دولت مصدق) عذرخواهی کردم. امیدوار بودم که بتوانم روابط حسنه‌ای با ایران داشته باشیم."

البته خانم مادلین فولبرایت وزیر امور خارجه آمریکا در زمان کلینتون برای نخستین بار بطور معیوبی مسئله کودتای 28 مرداد را طرح کرد. در همان زمان در قبال کنجکاوای رسانه های گروهی جهان مدعی شد که اسناد مربوط به کودتا نابود شده اند و این است که انتشار آن مقدور نیست. البته رژیم جمهوری اسلامی نیز تمایل زیادی به رو شدن نقش آخوندها در کودتا و از جمله نقش واعظ مشهور فلسفی نداشتند.

لیکن تنها اشتباه آقای کلینتون در گفتار بالا، در بیان تاریخ آن نبود وی فراموش کرد اضافه کند که روحانیت در کودتای 28 مرداد همدست امپریالیستها بود. رهبر آنها آیت الله کاشانی که حامیانش نظیر شعبان بی مخ و طیب رضائی و چاقو کشان میدانی و نظایر آنها را برای کمک به کودتا آماده و اعزام کرده بود، خودش با شاه و زاهدی کنار آمد. این است که روحانیت هرگز از سرنگونی محمد مصدق ناراضی نبود. خمینی هنوز چهره اش از "سیلی که ملی ها به صورتش" زده بودند درد میکرد. بعد از انقلاب آنها نام خیابانی را که هواداران مذهبی مصدق بنام خیابان مصدق نامگذاری کردند به نام آیت الله کاشانی تغییر دادند. مردم ایران حاضر نشدند این نام کثیف را بپذیرند و آنقدر بر در و دیوار علیه این آیت الله انگلیسی شعار نوشتند که رژیم ناچار شد نام خیابان را به ولیعصر تغییر دهد. این است که عذرخواهی کلینتون از خاتمی نمیتوانست هم موثر باشد.

ولی این عذرخواهی در عین حال یک تو دهنی بزرگ به دارو دسته سلطنت طلبان است که میخواهند یک دودمان بدنام و دست نشانده آمریکا را مجددا در ایران بر سر کار آورند. آنها حتی حاضر نیستند بپذیرند که امپریالیستها شاه فراری را با سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق بر سرکار آوردند تا قرارداد استعماری کنسرسیوم نفت را امضاء کرده، ملی شدن صنعت نفت ایران را کم لم یکن نموده و ایران را به پایگاه امپریالیست آمریکا بدل کرده و بعنوان قلدر و چماق بدست منطقه نقش ژاندارم را بعهده گرفته و مبارزات تساوی طلبانه و آزادیخواهانه منطقه را سرکوب کند. شاه قاتل خلقهای منطقه بود. سلطنت طلبان از این نقطه عطف تاریخ ایران بنام "کریلای 28 مرداد" سخن میرانند تا به مضمون واقعی مسئله پرداخته و با بی اهمیت جلوه دادن آن نقش تعیین کننده آنرا در روند تحولات آتی ایران لاپوشانی کنند. آخر اگر رژیم شاه دست نشانده سازمان "سیا" بود آنوقت همدستان شاه و یاران وی که حزب رستاخیز را علم کردند و یا ساواک را تقویت نمودند و شکنجه خانه های اوین و کمیته شهربانی و لشگر دو زرهی و رکن دو ارتش و... را به وجود آورند نمیتوانستند میهن پرست بوده و عامل اجنبی در ایران نباشند. این بیچاره های همدست امپریالیست مایلند که اساسا نکات "ناخوشایند" تاریخ ایران حذف شود. نه از کودتای خائنه 28 مرداد سخنی به میان آید و نه از انقلاب شکوهمند بهمن حرفی زده شود. برای آنها تاریخ ایران که سنت مبارزه خلق ماست و باید منبع آموزش و الهام

باشد تاریخ مرده است، تاریخ مرده هاست. حمایت از جنبش ضد استعماری مردم ایران در سالهای 30 و دستاورد عظیم آن که ملی شدن صنعت نفت ایران بود چنگ انداختن به گذشته و مرده پرستی است. و نسلی که آموزگار تاریخ جهان نه تنها در خاور میانه بلکه در جهان بود، نسل مرده پرستان است. این عده مجوف و مالیخولیائی که پولهای "سیا" و "موساد" وحدتشان را برهم زده است کوچکترین پیوندی با مردم ایران ندارند. حمایت از مصدق، حمایت از دوره ای درخشان از تاریخ مبارزات مردم ایران است. کسانی که این مبارزات را برسمیت نمی‌شناسند تعلقی باین ملت ندارند. آنها پس از تلاش نافرجامشان تا 16 آذر سال 32 را با 18 تیر پیوند زند و از تاثیرات الهامبخش آن در مبارزات دانشجویی حاضر بکاهند، بیکباره جنایات شاه را در 16 آذر مسکوت گذارند. آنها نه تنها تاریخ را مسکوت میگذارند از بقیه نیز می‌طلبند که فکر نکنند، عقل خود را اجاره دهند، تاریخ را مسکوت بگذارند زیرا که به وحدت با دشمنان مردم صدمه میزند.

آنها به مصداق اینکه مورچه‌ها شاه دارند، زنبورها شاه دارند پس چرا ما شاه نداشته باشیم در تلاشند که یک شکل حکومتی فرسوده و پوسیده تاریخی را که عمرش را به جمهوری داده است از گور تاریخ با یاری "سیا" و "موساد" بدر آورند و ملتی را وادار کنند که نسلها در نسلها مخارج گزاف مشتی طفیلی بی مغز را که هنرشان در برپائی عشرتکده های درباری است پرداخت کنند. به اعتبار خویشاوندی خونی صرفنظر از درجه کیاست و یا سفاهتشان بر میلیونها مردم حکم برانند و برپشتشان بخندند و مشتی روشنفکر خود فروخته با صله و درهمی را در مدح پادشاهی به خدمت بگیرند تا مردم کشورشان را شستشوی مغزی دهند و به آنها بقبولانند که ایرانی جماعت "شاهدوست" است و "نوکر صفت". آنها میخواهند شاه مرده را زنده کنند و مصدق زنده را به خاک بسپارند.

محمد رضا شاه منفور با زندان و تبعید و حصر مصدق نتوانست نام بزرگ وی را به بایگانی فراموشی بسپارد. حافظه تاریخی مردم ما بیش از آن گنجایش دارد که اوباشان سلطنت طلب و خائن می‌پندارند. تمام تلاش آنها برای اینکه از پسر شاه، به اعتبار گروه خونی اش پادشاه ایران زمین بسازند آنقدر بیهوده است که دم مسیحاتی نیز برای جان بخشیدن به این میت تاریخی کفایت نخواهد کرد. پادشاهی مرده را با هیچ شعبده ای نمیشود زنده کرد. آنکه زنده است مصدق است و آنکه لاشه وار جولان میدهد مدعی بی تاج و تخت پادشاهی ایران است که باید در دادگاه خلق برای غارت ثروت سرشار ملت ایران که هنوز از قیل آن عیاشی میکند حساب پس دهد. باید حساب پس دهد که چرا ساواکیهای دوره ی پدرش را دور خود جمع کرده و از حمایت آنها برخوردار بوده و خط تمایزی با آنها نمیکشد و آنها را مفتضح و افشاء نمیکند و به پلیس بین الملل معرفی نمیکند. باید روشن کند که برخوردش بطور مشخص به خیانتها و جنایات پدرش چیست و وی تا به چه حد حاضر است به این گذشته ننگین انتقاد کند و اموالش را در خدمت مردم قرار دهد تا دادگاه خلق وی را در ایران آزاد و دموکرات تبرئه کرده و مردم ایران بپذیرند که وی میتواند بمثابة یک شهروند معمولی به حساب آید. در ایران آزاد و آباد و دموکرات و شکوفان جانی برای سلطنت طلب طلبکار و دست اندرکاران رژیم وابسته و منفور گذشته نیست. این را هم اسرائیل میداند و هم آمریکا ولی آنها مرده سلطنت طلبان را بعنوان مترسک برای دریافت امتیازات بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی لازم دارند. ضد انقلاب مغلوب ایران حتی جنازه اش را نیز در خدمت امپریالیسم و صهیونیسم قرار داده تا از آن حداکثر استفاده را بنمایند. باید اذعان کرد که سلطنت طلبان در نوکری بیگانه از صداقت بی همتائی برخوردارند و نمیتوان متعصبانه این عامل وفاداری و صداقت را در آنها در نظر نگرفت و منکر آن شد.

براستی این مردک اگر یک جو صمیمیت و صداقت دارد باید روشن کند که این اطرافیان پدرش که دزد و جنایتکار و خائن بوده و نام پدر "بی گناهش" را به کثافت کشیده اند چه کسانی بوده اند. نام این افراد کدامست و در کجا زندگی میکنند و فعالیت سیاسی آنها در حال حاضر چیست. آخر تا به کی میشود با عوامفریبی به مردم دروغ گفت؟ آیا سرنوشت این دودمان ننگین در انقلاب شکوهمند 22 بهمن بحد کافی برایشان آموزنده نبوده است؟ این فرد مرده است، مرده مرده، یک مرده متحرک و مصدق همواره زنده خواهد ماند. مرده آن است که نامش به نکوئی نبرند.

**نقل از نوفان الکترونیکی شماره 49 نشریه الکترونیکی
حزب کارایران مرداد ماه 1389**

www.toufan.org
toufan@toufan.org